

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهيم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد  
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

موسوی

۲۲ سپتمبر ۲۰۱۶

## جنون ریختن خون در ارتش امریکا

۱

در اواخر دوره دموکراسی تاجدار و ۵ سال جمهوریت خاندانی، که از یک جانب خطوط مواصلاتی نسبت به گذشته ها بهتر شده، بین کابل با قندهار، هرات، مزار، قندوز، جلال آباد و گردیز به یمن سرکهای قیر و امنیت نسبی، آمد و شد زیاد شده بود و از طرف دیگر فقر، گرسنگی و بیکاری کتله های میلیونی افغانستان را آواره ایران ساخته بود، شرکت های ترانسپورتی متعددی به وجود آمده بود که برخی از آنها به تقلید از شرکت های ترانسپورتی ایرانی، بعد از نام شهر قندهار، هرات، بلخ، قندوز، کلمه "پیما" را نیز به دنبال می کشید، توگوئی وقتی بر موتوری- منظور بس های ترانسپورتی- نوشته شد "بلخ پیما، قندهار پیما، هرات پیما و .." برآستی چنان موتوری قادر است، چنان فاصله هائی را بپیماید.

در جانب دیگر قضیه و همزمان با رشد نسبی خطوط مواصلاتی و آمد و شد مسافران، گستردگی فقر و بیکاری از یک سو و ظلم و فشار بیحد اربابان محلی در تمام مناطق مرکزی افغانستان از سوی دیگر، کتله های وسیعی از باشندگان تمام ولایات مرکزی افغانستان یعنی "هزاره جات" را به شهر کابل کشانیده، عده ای از آنها که امکان ایجاد یک زندگی بخور و نمیر برای خود تدارک دیده می توانستند، به صورت عمده در "دشت برچی" تمرکز یافته، آرام آرام آن منطقه را که هم "ناحیه ۵" شاروالی کابل بر آن ادعای مالکیت داشت و هم ولسوالی چهاردهی، پر نفوس می ساختند. هر چند زیاد لازم به یادآوری نیست تا بنویسم که آن منطقه با وجود ادعای دو مالک و مزاحمت روزانه دوگانه هر دو نهاد برای باشندگان فقیر و بی بضاعت آن در چه سطح از امکانات شهری قرار داشت، چه با در نظر داشت آن که در نقاطی که شامل نقشه های شهری می شد نه از آب آشامیدنی صحی خبری بود و نه از برق و سایر امکانات رفاهی در قرن بیستم، هر کس باید خودش بتواند حدس بزند که وضع زندگانی باشندگان دشت برچی تا چه حدی سخت و طاقت فرسا بوده است.

مشکل تنها زندگانی دشوار و قرون وسطائی در داخل خانه های گلین دشت برچی نبود، بلکه رسیدن تا دشت برچی بر بالای سرک خامه که زمستانها روزانه ده ها وسیله نقلیه، در گل و لای آن بند مانده، نمی توانستند از جای حرکت نمایند، مصیبت دیگری بود که باشندگان آنجا را در جریان حیات اجتماعی شان، به مصائب پیشماری گرفتار می ساخت.

در بطن موجودیت چنان مشقاتی، مردم کابل که تقریباً عادت کرده اند با به تمسخر گرفتن مشکلات، اگر در زودن مشکلات ناتوان اند، در تحمل آن، ظرفیت خویش را ارتقاء بدهند، از مقایسه دو تغییر فوقاً تذکار یافته یعنی گسترش خطوط مواصلات و افزایش "پیم" ها و سکونت در مخروبه های دشت برچی، ترکیب بس زیبا و گویائی را به وجود آورده بودند، به نام "برچی پیم".

"برچی پیم" در کل به آن عده از عراده جات اعم از سرویس، مینی بس و یا تکسی، اطلاق می شد که نه در داشتند و نه هم دروازه، ماشین های آنها مال عصر "فرنی علیه السلام"، گیتس تایر ها از دور نمایان، وقتی ماشین آنها چالان می شد، هیچ نیازی به هارن نبود تا رهگذران را از آمدنش مطلع سازد، سیتها تنگتر از قبر آدم بخیل، در جمب و جول سرک، نه برای مسافر دل می ماند نه روده. تعدادی از آنها به خاطری که در جریان طی همان فاصله کوتاه جوش نیاید، چیزی شبیه آبپاش را بر بالای جنگله آنها نصب نموده بودند و راننده هر ۳ الی ۵ دقیقه یکبار، از داخل موتر شیردهن نلی را که به آن آبپاش وصل بود، باز و بسته و می کرد تا با جریان آب بر روی رریتر (رادیاتور) موتر، و باد شدن آن به وسیله پکه موتر، ماشین اندکی سرد شود، خلاصه کلام چیزی کمتر و بی خطر تر از سواری بر یک جنازه نبود، به همین علت هم آنها را در کنار "برچی پیم" به نام "جنازه روان" نیز یاد می کردند.

\*\*\*\*\*

در جریان هفته ای که گذشت، خبر دو جنایت آشکار و علنی در دو محل جداگانه، مگر به وسیله یک قاتل سرخط تمام اخبار داخلی و خارجی بود، یکی مربوط به افغانستان و دیگری مربوط سوریه.

۱- خیر مربوط افغانستان، کشته شدن ۸ پولیس نیروی امنیتی اداره مستعمراتی کابل به تاریخ ۱۸ سپتمبر، به وسیله طیارات بمب افکن امریکائی بود. یعنی ۸ افغانی که یا از روی اجبار و فقر دست به خیانت تقویت نظام مستعمراتی زده بود و یا هم بر مبنای انگیزه های آشکار خاینانه به چنین دنانتی تن داده بودند و هر یک از آنها گذشته از این که نان آور خانواده های شان بودند، به مثابه یک انسان، یک جاندار، یک موجودی که حق حیات و ادامه آن را دارد، به وسیله دژخیمان امریکائی به خاک و خون کشیده، مزد خیانت به وطن و همکاری با امپریالیزم را از جانب بادارانشان دریافت داشتند.

از آن جائی که بروز چنین اتفاقاتی از قبل به مثابه پیش شرط بر تمام خاینانی که توافقتنامه امنیتی با امریکا را آماده نموده و گرداندگان اداره مستعمراتی کابل، آشکار و مورد پذیرش قرار گرفته است، مسلم است که قتل چند افغان، هیچ وجدانی را تکان نمی دهد، آخر مگر نه این است که چیزی که نیست نمی تواند تکان بخورد.

۲- مورد دوم، بمباردمان عمدی نیروهای ارتش سوریه که مشغول جنگ با نیروهای "داعش" و در آستانه پیروزی در آن عملیات بودند، باز هم به وسیله ارتش قهار ایالات متحده امریکا؛ یعنی قبله آمال تمام وطنفروشان که گاهی زیر نام "جهانی شدن" به حمایت اشغال و تجاوز می پردازند و زمانی هم، میمون وار به تقلید از نظریه پردازان امپریالیستی که با مصرف میلیارد ها دالر جهت تحمیق توده های میلیاردری جهان، شعار عصر جدید، تغییر جهان و نفی امپریالیزم را شب و روز جار می زنند، اینها نیز از طریق سایتک های استخباراتی شان همان تقاله های متعفن و مسموم را نشخوار نموده، هیچ گاهی جرأت و توانمندی علمی و اخلاقی آن را ندارند تا در یک بحث رویاروی از مواضع "امپریالیزم پرستانه" شان دفاع نمایند؛ به وقوع پیوسته بار دیگر به جهانیان ثابت ساخت که "داعش"، "طالب"، "القاعده"، "حزب اسلامی"، "جمعیت اسلامی"، حاکمیت های اسلامی در "ایران، عربستان سعودی، قطر، ترکیه" و در کلیت آن تمام داعیان "اسلام سیاسی"، بخش پیاده نظام پیمان متجاوز "ناتو" بوده، هیچ فرد و یا دولتی حق ندارد، حتا در دفاع از خود، خانواده، میهن و ناموسش بر روی آنها آتش کشوده، گلوله فیر نماید.

خواندیم که در اثر آن بمباردمان حدود ۸۰ سرباز و افسر سوری کشته و بیش از صد تن دیگر زخم برداشته اند. دولت سوریه که موقعیت خودش را بعد از کندن کله گرگها یعنی "صدام" و "قذافی" به خوبی شناخته و نمی تواند چیزی بگوید، به ناگزیر دست به دامان روسیه و پوتین دراز نموده، از وی کمک خواست. مسلم است که روسیه و پوتین چنین موقعیتی را به مثابه امداد غیبی امریکا برای خودش در قسمت انتخابات پارلمانی روسیه، تلقی نموده، در عین حالی که در دل و شاید هم پیامهای مخفی، بار بار از آن بابت سپاس شان را ابراز نموده باشند، در ظاهر به محکومیت امریکا شعار می دهند. شعار های بی مصرفی که امریکا با گفتن "اشتباه" نقطه پایان بر آن گذاشت.

\*\*\*\*\*

قبل از آن که راجع به سلاح های پیشرفته امریکا چیزی نوشته بعداً ارتباط دیالکتیکی بین قطعات ظاهراً بدون رابطه این نوشته را دنبال نمایم، جهت تازه ساختن معلومات خودم و تهیه چند عکس، سری زدم به گوگل و زیر عنوان سلاح های پیشرفته امریکا به جست و جو پرداختم.

در همان آغاز جست و جو متوجه شدم که نخست عنوانی را که جهت جست و جو انتخاب نموده ام ناقص و عقب مانده است زیرا در اینجا بحث روی سلاح های پیشرفته و معرفی آنها نیست، بلکه بحث روی "سلاح های فوق پیشرفته امریکا" می باشد. سلاح هایی که نه تنها آدم "جهان سومی"ی چون این قلم نامی از آنها نشنیده است، بلکه صادقانه باید اعتراف نمایم با وجود آشنائی نسبی با زبانهای آلمانی و انگلیسی حد اقل در سطح خواندن و فهمیدن، تلفظ آنها نیز اگر زبان را رگ نسازد، حد اقل به لکنت دچار می سازد.

گذشته از آن تصویری را که از تهیه چند قطعه عکس و ضمیمه ساختن آنها در این مختصر نزد خود داشتیم، نیز با مشاهده صد ها قطعه عکس که هیچ یک نسبت به دیگری از اهمیت کمتری برخوردار نبوده و نیست، چنان انتخاب را دشوار و غیر ممکن ساخت، که تصمیم گرفتیم تا از شما خواننده عزیز تقاضا نمایم، زحمت را قبول نموده، خود از طریق گوگل راجع به "سلاح های فوق پیشرفته امریکا" مستقلاًنه تحقیق نمایند، آنچه من در این قسمت به مثابه ضمیمه می آورم در واقع قسمتی از یکی از مقالاتی که تعداد شان بیشتر از صد ها می باشد، است؛ تا برای آنانی که فرصت و یا امکان تحقیق مستقل را نداشته باشند، امکان حد اقل آشنائی با سلاح های فوق پیشرفته امریکا مساعد شده بتواند\*.

خوانندگان نهایت عزیز!

اگر به فکر خودتان نرسیده که این سه قضیه چه ارتباطی به هم دارند، خواهش می کنم، به خواندن تان ادامه دهید، مطمئن باشید اصل اول دیالکتیک که از ارتباط اشیا و پدیده ها با هم دیگر صحبت به عمل می آورد، در اینجا هم صدق می نماید. و چنین:

در عنوان نوشته داریم: "جنون ریختن خون در ارتش امریکا". به دنبال عنوان مطلب ما آغاز می یابد با "برچی پیمان" ها، یعنی آن وسایلی که کاملاً خراب و بی کاره و هر لحظه امکان از کار ماندن و ایجاد خطرات از آن را باید منتظر بود، مطلب ادامه می یابد با تعداد تلفاتی که ارتشیان امریکا در افغانستان و سوریه، گویا به اساس اشتباه جان صد ها نفر را گرفته و زخمی نموده اند، در آخر مطلب با نظری بر سلاح های فوق پیشرفته امریکائی خاتمه می یابد.

خوانندگان عزیز!

ادعای اشتباه از جانب سخنگویان ارتش امریکا حین ایجاد تلفات انسانی زمانی می توانست، مورد مذاقه قرار گیرد که به جای سلاح های فوق پیشرفته امریکائی، با چند عدد "برچی پیمان" طرف می بودیم. در آن صورت می شد فکر نمود که خوب وسایل مورد استفاده همه قراضه، کهنه و از کار افتاده است، گذشته از آن که امکانات الکترونیک پیشرفته

ندارد تا کمکی به پیلوت ها نماید، چه بسا در هدف گیری هم به مانند "برچی پیما" ها دچار چنان مشکل تخنیکیی باشند، که بیچاره پیلوت با وجود تلاش جهت هدف گیری، رنگ زرد باقی مانده، حاصل کارش کشتار بیگناهان می گردد. اما دقت در کیفیت سلاح فوق پیشرفته امریکائی، وقتی خودشان ادعا می دارند که می توانند از ارتفاع حدود ۲۰۰۰ متر، یک نمبر پلیت موثر را با آسانی و بدون اشتباه بخوانند، قضیه را از اساس با "برچی پیما" و حوادث ناشی از قراضه بودن آنها متمایز می سازد، زیرا وقتی آنها قادر اند از ارتفاع حدود ۲۰۰۰ متر نمبر پلیت موثری را بخوانند، چه شده که از همان ارتفاع و یا هم پائینتر از آن، نه پرچمهای اداره مستعمراتی کابل و ارتش سوریه توجه آنها جلب می نماید، نه لباس و تجهیزات شان و نه هم آن خریطه نظامی که بر مبنای آن، عملیات می بایست صورت می گرفت. بدان معنا که در اینجا حرف از اشتباه تخنیکیی و نقص فنی در میان نیست، بلکه کسانی که از آن وسایل فوق پیشرفته استفاده می کنند، به دفعات باعث ایجاد چنین حوادث دلخراشی گردیده، نتیجه آن هم همیشه به نفع خود امریکا و یا مزدورانش و به ضرر مخالفانش می باشد. این روند است که انسان را و او می دارد، تا ببیند علت این که نیروهای ارتش امریکا با وجود بهره مند بودن از پیشرفته ترین وسایل، باز هم "اشتباه!!" می نمایند، چیست.

ادامه دارد

#### \* ضمیمه:

درست مانند گجت های هوشمند که خانه هایمان را مورد هجوم خود قرار دادند و زندگی هایمان را ظرف ۱۵ سال گذشته متحول نمودند، نسل تازه ای از تسلیحات نیز به ارتش های دنیا راه پیدا کردند و آنها را دستخوش تغییراتی شگرف ساختند. امروز ارتش های سراسر دنیا سعی در کنار زدن مرزهای تکنولوژیکی دارند و از آغاز هزاره جدید، تسلیحات مختلف همراه با طیف گسترده ای از پیچیدگی های تکنیکیی ارائه گردید که به نوعی نقطه عطف در صنایع نظامی بدل شدند. از بمب های پنهان کنار جاده ای (که ارزان قیمت، ابتدائی و مرگبار هستند) گرفته تا لیزرهای چند میلیارد دلاری، همه و همه روش های مرسوم مبارزه را تغییر داده و چشم انداز های تکنولوژیکی و سیاسی دنیا را متحول نمودند. در ادامه قصد داریم در قالب یک مطلب دو قسمتی، شما را با ۱۹ سلاح پیشرفته دنیا که ظرف ۱۵ سال اخیر ساخته شده اند، آشنا نماییم.

#### ۱- بمب های نفوذگر کشتار انبوه



بزرگ ترین بمب متعارف و هدایت شونده ایالات متحده آمریکا که ۶,۰۹ متر طول دارد و وزنش به ۱۳۶۰۷ کیلوگرم می رسد، می تواند به داخل سنگرهای زیر زمینی نفوذ کرده و آنها را منفجر کند. این بمب نفوذگر که اصطلاحاً MOP هم خوانده می شود و توسط بوئینگ ساخته شده به گونه ای طراحی گردیده که می تواند تا ۱۸ متر به داخل بتون نفوذ کرده و در عمق ۶۰ متری زیر زمین منفجر شود و هیچ پناهگاهی را سالم نگذارد. پس از نخستین تست موفقیت آمیز این بمب در سال ۲۰۰۷ میلادی، نیروی هوایی ایالات متحده آمریکا انباری از آنها را به شرکت سازنده سفارش داد.

#### ۲- برنامه ضد ماهواره ای چین



در ژانویه سال ۲۰۰۷ میلادی، چین، عصری تازه و البته وحشتناک را در جنگاوری رقم زد. ارتش آزادی(بخش) خلق چین با استفاده از یک راکت بالستیک C-19 موفق شد که یک ماهواره هواشناسی خارج از ماموریت را در ارتفاع ۵۰۰ مایلی از سطح زمین هدف بگیرد و نابود کند .

چین با این اقدام که به صورت گسترده نیز از سوی جامعه جهانی محکوم گردید فضای خارج از جو زمین را نیز نظامی کرد. شاید جلوگیری از این اقدام غیر ممکن بوده، اما به خاطر پیامدهای دراز مدت آن، بهتر بود که کشورها دنیا تمام تلاش خود را برای جلوگیری از این اقدام به عمل می آوردند .

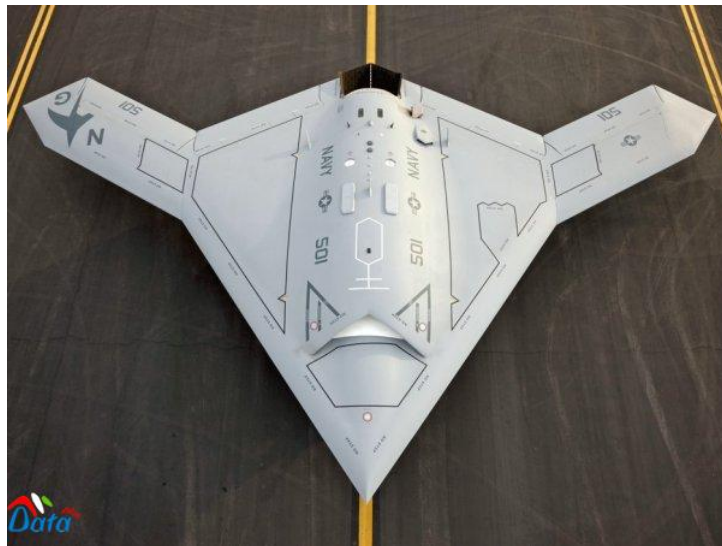
اگر ماهواره ها در زمره اهداف نظامی مشروع در نظر گرفته شوند، حمله به آنها می تواند منجر به شکل گیری میدانی گردد که کل مدارها را تخریب نموده و واکنش هایی زنجیره وار را ایجاد کند که در نهایت می تواند منجر به تخریب ماهواره های کلیدی ارتباطی یا موقعیت یاب می شوند .

به همین نحو، با شکسته شدن تابوی جنگ فضایی، کشورها می توانند تسلیحاتی را در جو خارجی زمین به کار بگیرند که توانایی تخریب اهداف مستقر روی سیارات دیگر را نیز دارند .

اگر چنین سناریوی هشدار دهنده ای رنگ واقعیت به خود بگیرد، نسل های آینده احتمالاً آزمایش موفقیت آمیز سال ۲۰۰۷ چین را به عنوان لحظه تبدیل شدن فضا به خط مقدم جنگ میان کشورها در حوزه فضایی به یاد می آورند .

این تست همچنین اشتیاق چین به توسعه و ساخت تسلیحاتی را نشان داد که مورد استفاده رقبایش نیستند و مشخص نمود که چگونه یک کشور می تواند برای از میان برداشتن اختلاف خود با حریفانش از ابزارها و تسلیحات نامتعارف بهره بگیرد .

### ۳ - X-47B



تصویری که در بالا مشاهده می کنید به یک هواپیمای بدون سرنشین هم اندازه با جنگنده های (تهاجمی) تعلق دارد که X-47B خوانده می شود و در اختیار نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا قرار دارد .

این هواپیما از پتانسیل کافی برای تغییر کارزار هوایی برخوردار است. پهپاد شرکت Northrop Grumman قادر است در حین پرواز و در زاویه چرخش ۳۶۰ درجه سوخت گیری کند و مهمات خود را علیه اهداف مختلف به کار بگیرد. این پرنده بدون سرنشین موفق شد که برای نخستین بار عمل سوخت گیری حین پروازی را به صورت کاملا خودمختار انجام دهد و نامش را در تاریخ هوانوردی دنیا به ثبت برساند. علاوه بر این، X-47B توانست از روی یک ناو هواپیمابر بلند شده و مجددا فرود بیاید. این هواپیمای بدون سرنشین می تواند با سرعتی معادل نصف سرعت صوت در آسمان گشت زنی کند و فاصله راس یک بال آن تا بال دیگرش برابر با ۱۸,۸۹ متر است. برد این هواپیما بیش از ۲۴۰۰ مایل اعلام گردیده که بیشتر از دو برابر برد پهپاد ریپر است.

#### ۴- پهپاد ریپر



پهپاد ریپر M19 طریقه انجام عملیات های نظامی توسط ایالات متحده آمریکا را به میزان قابل توجهی تغییر داد. این هواپیمای بدون سرنشین که نخستین بار در سال ۲۰۰۱ میلادی رونمایی شد در عملیات های مراقبتی و حملات هوایی علیه شبه نظامیان در کشورهای مختلفی چون عراق، سومالی و پاکستان به کار گرفته شد.

پهپادهای ریپر برای استفاده در ماموریت های مراقبتی و پشتیبانی های هوایی طراحی شده اند و قادرند که یک پلاک خودرو را از مسافت بیش از ۲ مایل آنطرف تر و در حالی که در ارتفاع ۵۲۰۰ پایی هستند تشخیص دهند.

این درون ها همچنین می توانند بمب های ۲۲۶ کیلوگرمی را با خود حمل کنند که هم دربرگیرنده راکت های هوا به زمین می شود و هم انواع هوا به هوا. پهپاد ریپر همچنین می تواند تا ۳۶ ساعت در هوا باقی بماند و بی آنکه جان نیروهای در حال ماموریت را به خطر بیاندازد، توانایی ارتش ایالات متحده آمریکا برای حمله به اهداف سریع و بی صدا را در سراسر دنیا بالا برده است.

#### ۵- V-22 Osprey



V-22 Osprey نوعی هواپیمای چند منظوره است که از زمان ورودش به سازمان دریانوردی ایالات متحده، به یکی از بخش های اصلی این ارگان دولتی بدل گردیده. این هواپیما قادر است عملیات های بلند شدن و فرود را درست مانند یک هلی کوپتر به صورت عمودی انجام دهد و با سرعت هایی نزدیک به یک هواپیما حرکت کند.

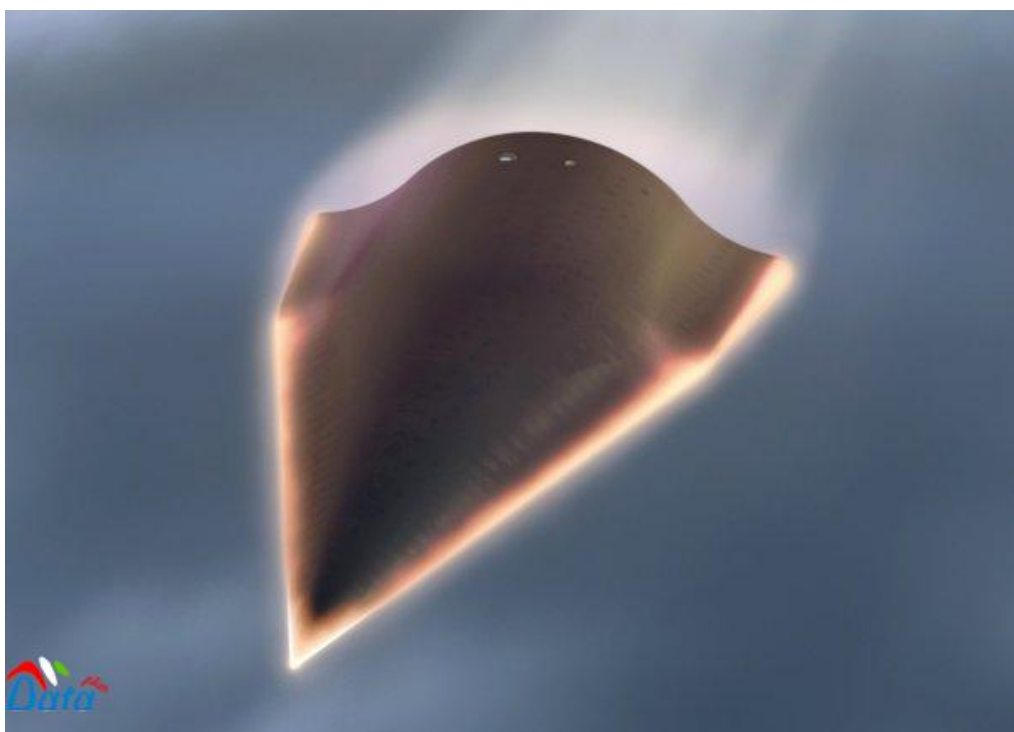
در ابتدا، نگرانی های عدیده ای در رابطه با بروز حوادث مختلف برای Osprey وجود داشت که از آن جمله می توان به چندین مورد سانحه مرگبار پیش از معرفی رسمی این پرنده در سال ۲۰۰۷ اشاره نمود.

جدیدترین مدل های ارائه شده از این هواپیما فاقد هرگونه نقص یا خطایی هستند و از آنها برای انجام عملیات های نجات در سرزمین های دوری نظیر عراق، افغانستان و لیبی بهره گرفته شده است.

نیروی هوایی، دریایی و اداره دریانوردی ایالات متحده آمریکا از Osprey برای انجام هر ماموریت ممکن بهره گرفته اند؛ از جابجایی نیروها، کمک به مجروحان و انتقال آذوقه گرفته تا تحویل هوایی محموله ها از جمله موارد کاربرد این هواپیماست.

علاوه بر این، هم اکنون این هواپیما در دست تست و بررسی است تا در صورت موفقیت از آن به عنوان نوعی پلتفرم سوخت گیری هوایی استفاده شود. همانطور که گفته شد Osprey قادر است به صورت عمودی فرود بیاید و به همین دلیل می توان از آن در انجام ماموریت هایی که خارج از توانمندی های هواپیماهای معمولی است و عمدتاً به صداها متر فضای خالی برای فرود نیاز دارند، بهره گرفت.

#### ۶- تسلیحات فراصوتی بوست گلاید



این تسلیحات جدیدترین میدان رقابت چین و ایالات متحده آمریکا در حوزه نظامی را تشکیل می دهند و جالب است بدانید که هیچکدام از این کشورها تا به امروز موفق به ساخت نمونه اولیه واقعی از این سلاح که بتواند با موفقیت عمل کند، نشده اند، اما هر دویشان در اوت سال ۲۰۱۴، نسخه های تهیه شده خود را مورد آزمایش قرار دادند.

تسلیحات بوست گلاید می توانند اهداف خود را با سرعت و اثرگذاری بالا هدف قرار دهند و در صورتی که یک نمونه عملیاتی از آنها ساخته شود قادر خواهند بود که در حین حرکت با سرعت ۵ برابر صوت به سوی اهداف مختلف شلیک کنند و با هر بار سوخت گیری هزاران مایل را طی نمایند.

این سلاح قادر است در مسیری حرکت کند که رهگیری آن برای سیستم های سپر راکتی بسیار دشوار است چراکه آن سیستم ها برای استفاده علیه راکت های بالستیک متعارف طراحی شده اند.

گلوله های پوست گلاید با سرعتی بسیار بالا و زاویه تخت (با همان ۱۸۰ درجه) حرکت می کنند که رهگیری آنها برای تکنولوژی های فعلی سپر راکتی امری است دشوار .

این تسلیحات می توانند کلاهک های هسته ای را بهتر و سریع تر از هر چیز دیگری که تابحال ساخته شده حمل کنند و همین مساله باعث شده که کارشناسان نسبت به راه افتادن یک نبرد تسلیحاتی تازه با استفاده از آن ابراز نگرانی کنند .

#### ۷- راکت های دریایی Tomahawk



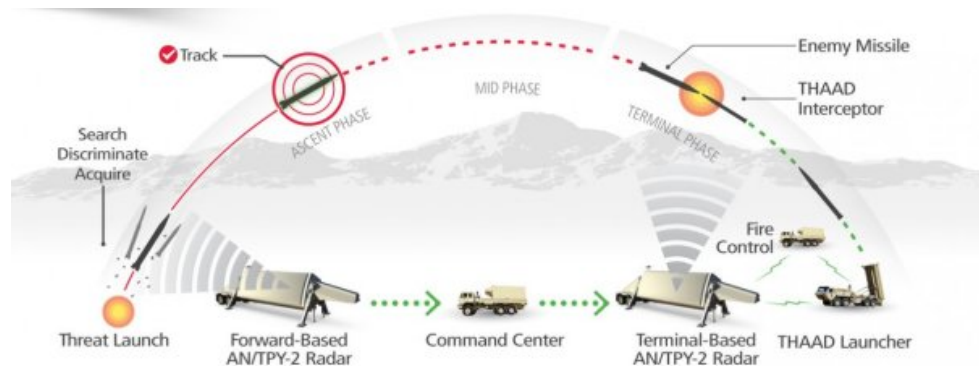
در ۲۷ ژانویه ۲۰۱۵ میلادی، نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا نوعی راکت شلیک شده از دریا به نام Tomahawk را که قابلیت فرمان پذیری هم داشت با موفقیت مورد آزمایش قرار داد. این راکت که توسط یک هواپیمای F/A-18E/F Super Hornet هدایت می شد قادر بود در حین پرواز مسیر حرکت خود را تغییر دهد و اهداف متحرک در بستر دریا را نشانه بگیرد .

باب ورک معاون وزیر دفاع ایالات متحده آمریکا در کنفرانس WEST 2015 در این رابطه اظهار داشت، این دستاورد که ساخت آن کمترین هزینه را در بر داشته می تواند نقطه عطفی در صنایع نظامی باشد. او اضافه کرد که Tomahawk یک راکت کروز ضد کشتی با برد ۱۰۰۰ مایل است .

نوع جدیدتر این راکت بردی برابر با ۱۰۰۰ مایل دریایی خواهد داشت و توان نیروهای دریایی ایالات متحده آمریکا را در مقایسه با رقبای خود به میزان زیادی بالا می برد .

در آن سوی اقیانوس آرام، یکی از تهدید آمیز ترین پیشرفت های نظامی چین قرار دارد که در اقع به راکت های کروز ضد کشتی این کشور مرتبط می گردد. این راکت ها در عین حال که تهدیدی بالقوه علیه ناوگان دریایی آمریکا محسوب می گردند، بردشان کمتر از نصف انواع جدید Tomahawk است .

#### ۸- راکت های THAAD



THAAD پیشرفته ترین سیستم راکتی دنیاست که روی یک کامیون سوار می شود و می تواند راکت های پرتاب شده از آسمان را شکار کرده و منفجر کند .

سیستم دفاع محدوده ارتفاع بالا پایانه ای (THAAD) با دقت مثال زدنی خود می تواند برای یکسان سازی درگیری ها و برابرسازی میدان های جنگی در سراسر دنیا به کار گرفته شود .



سیار بودن و جایگذاری استراتژیک باتری، THAAD را به گزینه ای ایده آل برای حذف نابرابری های نظامی نیروهای جنگی دنیا بدل کرده و از برتری هوایی دشمن نیز کاسته است .

جالب است بدانید که راکت های THAAD فاقد هرگونه کلاهک هستند و در عوض صرفا از انرژی جنبشی برای آزاد سازی نیروی مرگبار خود و هدف گرفتن راکت های بالستیک داخل یا خارج از جو زمین بهره می گیرند .

هر لانچر یا پرتاب کننده می تواند تا ۸ عدد از این راکت ها را با خود حمل کند و بسته به نوع تهدید پیش روی، می توان شمار مختلفی از آنها را به کار گرفت .

#### ۹ - پلتفرم تست هوایی لیزر YAL



لیزرهای تسلیحاتی احتمالا از جمله بخش های جدانشدنی میدان های مبارزه آینده هستند. با وجود آنکه تا به امروز تنها یک عدد از این تسلیحات ساخته شده است و برنامه تولیدشان متوقف گردیده، پلتفرم تست لیزر YAL را می توان نمونه بسیار مهمی از آنها قلمداد کرد .

این سلاح آمریکایی که نخستین بار در سال ۲۰۰۷ میلادی مورد آزمایش قرار گرفت داخل یک هواپیمای تغییر کاربری داده شده ۷۴۷ قرار گرفت. این هواپیما بزرگ ترین برجک چرخان لیزری را داشت که روی دماغه آن نصب شده بود .

خود لیزر نیز قابلیت رهگیری راکت های بالستیک تاکتیکی را در حین پرواز داشت؛ در تستی که در سال ۲۰۱۰ انجام گرفت، YAL موفق شد که یک هدف آزمایشی را با موفقیت نشانه بگیرد .

اما ارتش آمریکا به این نتیجه رسید که این سلاح کارایی لازم را ندارد چراکه برای رهگیری یک راکت لازم بود که هواپیما در حال پرواز باشد و از طرفی ساخت، هدایت و نگهداری این سلاح نیز گران تمام می شد .

با این همه، YAL نشان داد که لیزرهای قدرتمند این قابلیت را دارند که اهداف بزرگ و در حال حرکت را به راحتی تخریب کنند و قادرند که این کار را در میانه های آسمان انجام دهند .

#### ۱۰ - سیستم تسلیحات لیزری



سیستم تسلیحات لیزری نیروی دریایی ایالات متحده آمریکا که تحت عنوان LaWS از آن یاد می شود نوعی لیزر است که روی کشتی سوار می شود و می تواند ظرف کمتر از ۳۰ ثانیه اهداف دشمن را نشانه بگیرد .  
 انرژی مورد نیاز برای یک بار شلیک این سلاح لیزری برابر با ۱ دلار اعلام شده و در مقایسه با سلاح سنتی SM-2 که یک سیستم سطح به هوای مشابه محسوب می شود و هر راکت آن ۴۰۰ هزار دلار آب می خورد بسیار مقرون به صرفه است .  
 اوایل امسال، بوئینگ قراردادی را با ایالات متحده آمریکا به امضا رساند تا به موجب آن، نرم افزار فعلی مورد استفاده در این سیستم لیزری را به روز رسانی کند .

## ۱۱- استاکس نت



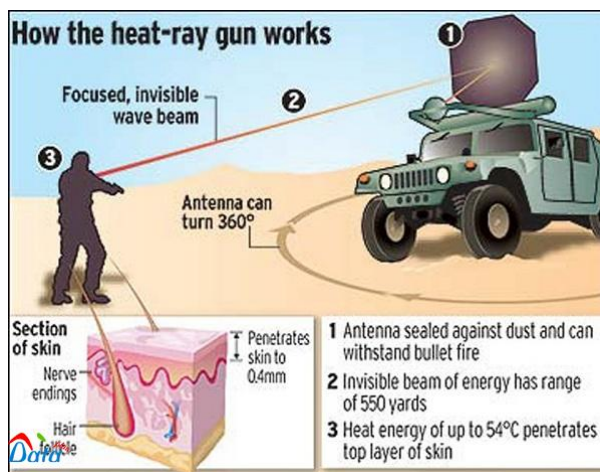
در سال ۲۰۱۰ میلادی، یک برنامه مخرب کامپیوتری به تاسیسات هسته ای ایران راه پیدا کرد. برنامه مخرب یاد شده که استاکس نت نام داشت باعث بروز اختلال در سانتری فیوژهای غنی سازی اورانیوم کشورمان شد و حتی ظرفیت غنی سازی این تاسیسات را تا ۲۰ درصد کاهش داد .

استاکس نت را می توان آغازگر تحولی عظیم در تاریخ جنگ های مدرن خواند. این کرم کامپیوتری که احتمالاً توسط ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی ساخته شده بود و با حمایت این دو کشور به تاسیسات هسته ای ایران حمله کرد و آسیب های جدی را به آنها وارد نمود که خوشبختانه با تلاش کارشناسان کشورمان پس از مدتی کوتاه به کلی پاکسازی شد .

استاکس نت انجام حمله ایکی دولت ها علیه یکدیگر را باب کرد و باعث شد که دولت ها برای ابراز مخالفت های خود علیه یکدیگر به قلمرو سایبری روی بیاورند .

انجام حمله ایکی کره شمالی علیه سونی، مهم ترین تهاجم سایبری است که پس از استاکس نت شاهدش بودیم و نشان داد که چگونه کنترل تسلیحات سایبری می تواند به قدری دشوار شود که به بحث روز محافل بین المللی بدل گردد .

## ۱۲- پرتوهای گرمایی



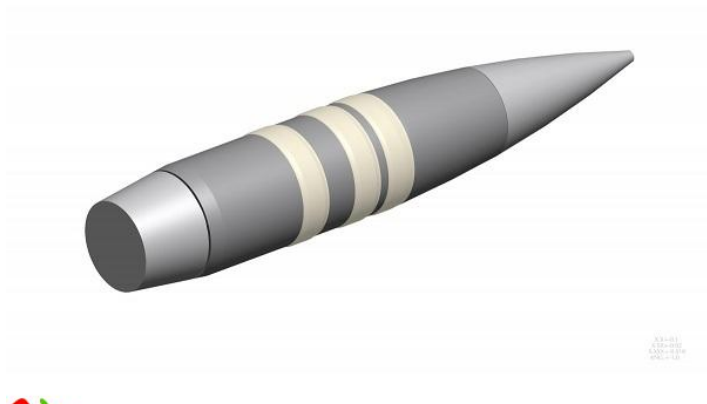
هم چین و هم ایالات متحده آمریکا سلاحی غیر مرگبار به نام «پرتوهای حرارتی» را طراحی کرده اند که درد شدیدی را در فرد ایجاد کرده و برای کنترل جمعیت های انبوه مورد استفاده قرار می گیرد .

ایده کلی ساخت تسلیحات متصاعد کننده پرتوهای حرارتی این است که آب زیر سطح پوست فرد را به حدی داغ می کنند که باعث ایجاد درد می شود و در نهایت بدون آنکه مرگ یا وارد آمدن جراحات جدی به فرد را در پی داشته باشد، او را وادار می کند که از مخصصه بگریزد .

پرتوهای حرارتی ساخت چین می توانند افراد را تا فاصله ۸۰ متری هدف قرار دهند و زمانی که دستگاه متصاعد کننده آن به یک منبع تغذیه خارجی متصل گردد، پرتوهای آن می توانند اهداف را تا فاصله ۰,۶ مایلی هدف بگیرند .

نسخه آمریکایی این دستگاه که تحت عنوان سیستم ممانعت فعال (ADS) از آن یاد می شود بردی برابر با ۱۰۰۰ متر دارد و می تواند دمای پوست انسان را تا ۱۳۰ درجه بالا ببرد، با این همه، این سلاح، به خاطر ابهامات و پرسش هایی که در رابطه با اخلاقی بودن کاربردش مطرح می شد از سوی ارتش این کشور کنار گذاشته شد .

### ۱۳- گلوله هایی که در حین حرکت تغییر مسیر می دهند



مهمات ویژه انجام مأموریت های با دقت بالا (EXACTO) گلوله هایی هستند که می توانند در حین حرکت مسیر خود را تغییر دهند و از این طریق یا حرکات هدف را اصلاح کرده یا دیگر فاکتور هایی که باعث خارج شدن گلوله از مسیر شده اند را تغییر دهند .

این گلوله ها دارای راس های اپتیکال هستند و می توانند لیزر های هدایت کننده معطوف شده روی یک هدف را تشخیص دهند. در مرحله بعد، تیغه های باریکی که روی گلوله ها قرار دارند آنها را به سمت آن لیزر هدایت می کنند .

ناگفته نماند که پنتاگون اخیرا این گلوله ها را با موفقیت آزمایش کرده است. نکته پایانی در رابطه با این مهمات اینکه، اگر به صورت درستی به کار گرفته شوند می توانند دقت سربازان ایالات متحده آمریکا را بالا ببرند. این تسلیحات همچنین می توانند خطرات ناشی از شلیک گلوله به سمت نیروهای خودی یا وارد آمدن آسیب به غیرنظامیان را به میزان زیادی کاهش دهند .

### ۱۴- بسته های خون Golden Hour



این بسته یک سلاح نیست، با این حال می تواند نقشی بسیار مهم در پیروزی یا شکست یک ارتش ایفا کند . ساعت طلایی (یا Golden Hour) در سال ۲۰۰۳ میلادی توسط دانشمندان ارتش ایالات متحده آمریکا ساخته شد و به سربازان این کشور کمک می کند که پس از جراحت برداشتن در میادین جنگ، زنده بمانند . این بسته حرارتی جعبه مانند دمای خون های اهدایی را در سطح مناسبی نگه می دارد و از آن در شرایط نامساعد جوی در جنگ هایی نظیر افغانستان و عراق استفاده شد. جعبه مورد بحث برای متعادل نگه داشتن دمای خون نیازی به الکتروسیته، باتری یا بیخ ندارد . به این ترتیب، در مواردی که سربازان در میدان های جنگی دچار جراحت و آسیب دیدگی می شوند، خون اهدایی در بسته های کوچک و قابل حمل فراهم خواهد بود و نیروهای امدادی می توانند فرایند تزریق خون را در کوتاه ترین زمان ممکن برای مجروحان انجام دهند . ساخت این بسته نشان می دهد که هرگونه پیشرفت در میادین جنگ صرفا به تولید تسلیحات جدید مربوط نمی شود و گاهی اوقات می توان [تکنولوژی](#) را در راستای نجات جان انسان ها مورد استفاده قرار داد .

#### ۱۵- ابزارهای منفجره دست ساز



در هر دوره ای از جنگ های مدرن، شاهد عرضه تسلیحاتی بوده ایم که فاصله میان ارتش های قدرتمند دنیا و گروه های شبه نظامی غیر دولتی را کم کرده اند . در جریان جنگ سرد، گروه های شورشی سرتاسر دنیا از نوعی سلاح ارزان قیمت و در دسترس به نام AK-47 برای مبارزه با ارتش های عظیم مقابل به خود استفاده کردند . بمب های کنار جاده ای همان ابزارهایی هستند که شورشیان عراق و افغانستان برای به زانو در آوردن آمریکای قدرتمند از آن بهره می گیرند. این تسلیحات که تحت عنوان «دستگاه های منفجره دست ساز» از آنها یاد می گردد اغلب در داخل ماشین ها یا چاله ها کار گذاشته می شوند و می توان با استفاده از تلفن های همراه آنها را منفجر نمود . ساخت این بمب ها همچنین به زمان زیادی نیاز ندارد و بدون نیاز به دانش بالای مهندسی می توان آنها را تولید کرد . این بمب ها تا کنون جان ۳۱۰۰ سرباز آمریکایی را در جنگ های عراق و افغانستان گرفته اند که دو سوم مجموع تلفات نظامیان این کشور را در جریان جنگ های یاد شده در بر می گیرد . استفاده شورشیان عراق و افغانستان از این بمب ها، ایالات متحده آمریکا را بر آن داشت تا به دنبال ساخت وسایل تکنولوژیکی جدیدی مانند MRAP باشد و استراتژی مقابله با شورشیان را در هر دوی این کشورها در پیش بگیرد . تاثیر این سلاح ها بر ارتش ایالات متحده آمریکا و نحوه انجام ماموریت های آن با هیچ سلاح مدرنی قابل مقایسه نیست. بمب های کنار جاده ای نشان دادند که چگونه در قرن ۲۱، یک ارتش کوچک و ابتدائی (به لحاظ تکنولوژی) می تواند ارتشی عظیم تر و مجهزتر مانند ایالات متحده آمریکا را از پای در آورد .

#### ۱۶- خودروهای استتار شونده مقاوم در برابر مین



سال ۲۰۰۵ میلادی، سالی دشوار برای ایالات متحده آمریکا در خاک عراق بود. جنگی که به سرپرستی آمریکایی ها در حال انجام بود به خاطر بیشتر شدن قدرت شورشیان عراق به سرکردگی القاعده مرتباً دشوارتر می شد. از سوی دیگر آمار تلفات نظامیان این کشور هم به خاطر استفاده شورشیان از بمب های کنار جاده ای مرتباً بیشتر و بیشتر می شد و این بمب ها حتی ماشین های زرهی آمریکا را نیز در امان نمی گذاشتند. شورشیان بمب هایی را کار می گذاشتند که درست زیر ماشین های حمل نیروی آمریکا منفجر می شدند؛ ماشین هایی که توان مقاومت در برابر تسلیحات منحصربفرد القاعده را نداشتند. به همین دلیل ماشین زرهی و فوق محکم MRAP طراحی گردید و فرایند ساخت آن ظرف مدت تنها چند ماه به اتمام رسید تا با بزرگ ترین چالش عملیاتی پیش روی ایالات متحده آمریکا در عراق مقابله کند و تا سال ۲۰۰۹ میلادی، ۲۱۰۰۰ عدد از آن در خاک عراق به خدمت گرفته شد.

#### ۱۷- عینک دید در شب چهار لوله



مت بیسونت یکی از اعضای تیم شش نفره SEAL Team Six در کتاب خود تحت عنوان «روز آسانی نبود» می گوید: به هر کدام از اعضای این تیم نیروی دریایی یک عینک ۶۵۰۰۰ دلاری داده شد که برای دید در شب مورد استفاده قرار می گرفت و چهار لوله داشت. برخلاف عینک های معمولی که هر کدام تنها دو لوله دارند، مدل چهار لوله میدان دید بسیار وسیعی به سربازان می دهد. طبق گزارش Defense One این عینک ها که دیدی پانورامیک را به فرد می دهند توسط واحد Insight شرکت L-3 Warrior Systems ساخته می شوند که دفتر اصلی آن نیز در New Hampshire قرار دارد. به گزارش سایت Defense One، از سال ۲۰۱۰ تاکنون، پنتاگون دست کم ۱۲,۵ میلیون دلار را صرف ساخت این عینک های نظامی پیشرفته کرده است.

#### ۱۸- هاورکرافت گوست



این هاورکرافت که توسط شرکتی به نام سیستم های دریایی جوولیت ساخته شد می تواند نامش را به عنوان یکی از کشتی های نظامی آینده به ثبت برساند. طراحی این قایق به گونه ایست که اصطکاک آن با سطح آب را کاسته و ثباتش را افزایش می دهد. این قایق خاصیت استتاری بسیار بالایی دارد و فاقد خاصیت آهنبایی است و نمی توان آن را از طریق سونار رهگیری کرد؛ به همین دلیل، گزینه ای ایده آل برای نفوذ به آب های دشمن و انجام ماموریت های مراقبتی در آنهاست. هاور کرافت گوست می تواند طیف گسترده ای از تسلیحات تهاجمی مانند آنچه توسط هلی کوپترهای هجومی مورد استفاده قرار می گیرند را با خود حمل کند و می توان آن را به انواع مسلسل، راکت های گریفینو و انواع راکت مجهز نمود.